

# ضرورت‌های سرمایه‌گذاری در تأمین اجتماعی

حسین جواهری

## چکیده

امروزه هر دو گروه کشورهای پیشرفته صنعتی و در حال توسعه برای اجرای نظام‌های تأمین اجتماعی و بیمه‌های اجتماعی خود مواجه با مشکل تعادل میان منابع مالی و هزینه‌های مزایای تعهدی خود هستند. در کشورهای پیشرفته صنعتی که برنامه‌های مختلف بیمه‌ای و حمایتی در چارچوب نظام فراگیر تأمین اجتماعی تمامی گروه‌های اجتماعی را پوشش داده‌اند، تحت تأثیر عواملی چون توسعه کمی و کیفی برنامه‌های مزبور، تغییرات جمعیتی، مهاجرت، بیکاری و... با روند شتابان هزینه‌ها روبه‌رو شده‌اند به نحوی که منابع مالی که مبتنی بر روشها و نظام‌های مختلف و برپایه اطلاعات و آمار دقیق پیش‌بینی شده بودند، پاسخگو نیستند. بر این اساس توقف و محدودیت برنامه‌های تأمین اجتماعی برای بروز عدم تعادل مالی در دستور کار قرار گرفته است.

برنامه‌های بیمه‌های اجتماعی در کشورهای جهان سوم در ابعاد ملی گسترده نیستند و بیشتر نیز از سوی کارفرمایان و بیمه‌شدگان تأمین مالی می‌شوند. به دلیل نبود آمار و اطلاعات مورد نیاز و عدم پای‌بندی به کاربرد نظام‌های تأمین مالی متناسب و نیز بی‌ثباتی اقتصادی و به‌ویژه در زمینه فرصت‌های سرمایه‌گذاری و نرخ تورم بالا، صندوق‌های بیمه‌های اجتماعی با مشکل تأمین منابع مالی مواجه‌اند. در بررسی‌های به عمل آمده از سازمان تأمین اجتماعی که بزرگ‌ترین صندوق بیمه‌های اجتماعی کشور

است، مشخص شده با وجود الزامات قانونی، در عمل سازمان مزبور فاقد نظام تأمین منابع مالی شفاف و دقیق علمی بوده و بنابراین نیازهای آماری و اطلاعاتی مشخص نشده و تلاشی برای زمینه‌سازی دستیابی سریع به آمار و اطلاعات دقیق انجام نگرفته است. بر این اساس تصمیم‌گیریها در مورد تغییرات نرخ حق بیمه، بازنشستگیهای پیش از موعد، مبانی و توجیه علمی نداشته‌اند.

ذخیره‌سازی مازاد حق بیمه‌ها و سرمایه‌گذاری آنها نیز در چارچوبی نظام‌مند و مبتنی بر محاسبات اقتصادی و مالی و آماری (اکچوری<sup>۱</sup>) انجام نشده است. بی‌توجهی به جایگاه علمی و اصولی سرمایه‌گذاری ذخایر و نقشی که می‌بایست در دراز مدت در تأمین مالی مستمری‌ها ایفا کند و نیز بحرانهای اقتصادی پس از انقلاب اسلامی و به ویژه تورم فزاینده، سبب آسیبهای بسیار بر منابع سازمان شده است، به طوری که در حال حاضر برنامه مستمریهای بازنشستگی، بازماندگان و ازکارافتادگی که می‌بایست عمدتاً از محل سود ذخایر تأمین مالی شوند همچنان از محل حق بیمه‌های جاری تأمین می‌شوند. ادامه این فرایند کاهش نسبی ذخایر به تعداد مستمری‌بگیران را در پی خواهد داشت و سبب عدم تعادل مالی جدی سازمان تأمین اجتماعی در آینده خواهد بود.

### طرح مسئله

در نگرش نظام‌گرا به مؤسسات و سازمانهای بیمه‌های اجتماعی و تأمین اجتماعی، منابع مالی مورد نیاز به عنوان آورده‌های نظام هستند که متناسب با ستانده‌های پیش‌بینی شده که ارائه خدمات بیمه‌ای و حمایتی است و با انجام محاسبات پیچیده و دقیق اقتصادی، مالی، آمار و احتمالات (اکچوریا<sup>۲</sup>) تعیین می‌شوند. این محاسبات و ارزیابی‌ها در چارچوب نظامهای متفاوتی که نظامهای تأمین مالی نامیده می‌شوند انجام می‌پذیرد. نظامهای تأمین مالی متناسب با نوع پوششهای بیمه‌ای و حمایتی و نیز شرایط اقتصادی و جمعیتی به کار گرفته می‌شوند. حال این سؤال مطرح است که آیا مبانی علمی و فنی یاد شده در تأمین منابع مالی سازمان تأمین اجتماعی که بزرگ‌ترین سازمان بیمه‌های اجتماعی کشور است لحاظ شده و یا می‌شود؟ کارآمدی این نظام که مبتنی بر ذخیره‌سازی مازاد حق بیمه‌ها است، در حفظ تعادل مالی آن به چه میزان است؟ پاسخ به این سؤالات و زیر مسئله‌های دیگر و به ویژه نقش و جایگاه سرمایه‌گذاریهای ذخایر در حفظ تعادل مالی سازمان مذکور می‌تواند زمینه ساز امکان سنجی توسعه کمی و کیفی بیمه‌های اجتماعی و در ادامه نظام جامع تأمین اجتماعی باشد.

1. actuarial

2. acturia

## مقدمه

دگرگونی‌های بنیادی در مناسبات و روابط صنعتی و شرایط محیط کار که در پی انقلاب صنعتی قرن نوزدهم در اروپا پدید آمد و نیز گسترش ابعاد حوادث و مخاطرات ناشی از کار در محیط‌های صنعتی، ادامه کار کارگران در واحدهای صنعتی به عنوان ابزار تولید و تحت شرایط سخت و توان‌فرسا را ناممکن می‌نمود. انگیزه‌های افزایش تولید و سودآوری از یک سو و مقابله با جنبشهای کارگری و آثار مخاطره‌آمیز آن برای نظام سرمایه‌داری از دیگر سو، سبب توجه زمامداران و سیاست‌گذاران جوامع صنعتی به مناسبات و روابط انسانی نیروی کار شد.

پیدایش بیمه‌های اجتماعی در دهه هشتاد قرن نوزدهم در زمان صدارت بیسمارک در آلمان و گسترش سریع آن در دیگر جوامع صنعتی، با هدف حمایت و صیانت نیروی کار در راستای این تغییر نگرش بود. هرچند که طی نیم قرن از پیدایش بیمه‌های اجتماعی در آلمان کشورهای صنعتی توسعه برنامه‌های بیمه‌های اجتماعی را تجربه کردند، اما به جهت محدودیت دامنه پوشش این برنامه‌ها به سایر گروه‌های اجتماعی و ناکافی بودن مزایا و هم‌چنین تفاوت در شرایط بهره‌مندی از هر یک از برنامه‌ها نسبت به دیگری و نیز ورشکستگی نظام‌های بیمه بیکاری در بحران اقتصادی سالهای ۱۹۳۰، نیاز به اصلاحات و دگرگونی در نظام بیمه‌های اجتماعی این کشورها به طوری که پاسخگوی نیازهای اجتماعی، اقتصادی تمامی افراد جامعه باشد، آشکار شد.

پس از جنگ دوم جهانی به هنگامی که رهبران متفقین دریافتند که اشتیاق مردم به مشارکت در جنگ صرفاً به انگیزه پیروزی بر نیروهای اشغالگر نبوده، بلکه انتظارات آنان برای پشت سر نهادن سالهای سخت و مشقت بار دهه بحرانی ۱۹۳۰ و دستیابی به شرایط معیشتی مطلوب پس از جنگ عاملی تعیین‌کننده بوده است، تلاش برای تحقق این آرمانها را باجدیت و سرعت بیشتری دنبال کردند و بدین ترتیب زمینه پیدایش تأمین اجتماعی فراهم شد. هر چند که برای اولین بار واژه تأمین اجتماعی در قانون تأمین اجتماعی ایالات متحده آمریکا مصوب ۱۹۳۵ به کار برده شد اما تأمین اجتماعی به مفهوم نظام‌مند و به شکلی فراگیر در سال ۱۹۳۸ در کشور زلاندنو به اجرا آمد. در حال حاضر نظام تأمین اجتماعی فراگیر شامل تمامی برنامه‌های بیمه‌ای<sup>۱</sup> و حمایتی<sup>۲</sup> برای حفظ درآمد تمامی گروه‌های اجتماعی و نیز ارائه خدمات درمانی در قالب بیمه‌های درمانی و یا خدمات درمانی بلاعوض به تمامی آحاد جامعه است. هر چند که صنعت در پذیرش برنامه‌های تأمین اجتماعی نقش بسیار مهمی دارد، اما این بدان معنی نیست که صنعتی‌ترین کشورها پیشتازان این راه بوده‌اند. آلمان که به وضوح پیشتاز در امر توسعه برنامه‌های بیمه‌های اجتماعی در دهه

1. contributory

2. non-contributory

۱۸۸۰ بود، در آن زمان نسبت به انگلستان و حتی بلژیک در رده پایین تر صنعتی قرار داشت. برای تشریح و تبیین مبانی توسعه معیارهای تأمین اجتماعی آلمان نسبت به انگلستان در چند دهه، می‌بایست تفاوت‌های توسعه سیاسی آنها را مورد مذاقه قرار داد.

در حال حاضر برنامه‌های بیمه‌ای و حمایتی تأمین اجتماعی در کشورهای پیشرفته صنعتی به لحاظ کمی و کیفی توسعه یافته و تمامی گروه‌های اجتماعی جوامع مزبور را پوشش داده‌اند. در کشورهای زلاندنو، کانادا، استرالیا و اسکانندیناوی تأکید بر نظام حمایتی است و بخش عمده هزینه‌های تأمین اجتماعی توسط دولت تأمین مالی می‌شود، در حالی‌که در ایالات متحده آمریکا و سایر کشورهای غرب اروپا تأکید بر بیمه‌های اجتماعی است و هزینه‌های پوشش‌های بیمه‌ای از طریق حق بیمه نسبت به دستمزد بیمه‌شدگان از کارفرمایان و بیمه‌شدگان تأمین می‌شود. دولتهای این کشورها صرفاً در تأمین مالی حدود یک سوم هزینه‌های تأمین اجتماعی مشارکت دارند. در حال حاضر و به‌رغم استفاده از نظام‌های تأمین مالی کارآمد مبتنی بر اطلاعات و آمار دقیق و محاسبات آکچواری کشورهای گروه اول که تأکید را بر نظام‌های مساعدت اجتماعی (حمایتی) داشته‌اند در اجرای برنامه‌های خود مواجه با محدودیتها و تنگناهای مالی شده‌اند، به نحوی که اجرای پاره‌ای از برنامه‌های حمایتی متوقف و یا محدود شده‌اند. بر این اساس کارشناسان و دست‌اندرکاران تأمین اجتماعی در کشورهای ایالات متحده آمریکا، بریتانیا و آلمان بر این عقیده‌اند که باید پرداخت مزایای تأمین اجتماعی به گروه‌های با درآمد متوسط و بالاتر کاهش داده شود و ارائه مزایای مزبور به طور مؤثرتر به گروه‌های کم درآمد و آسیب‌پذیر جامعه جهت یابد.

در کشورهای در حال توسعه نیز طی نیم قرن اخیر بیمه‌های اجتماعی توسعه چشم‌گیری داشته، اما در هیچ‌یک از آنها نظام تأمین اجتماعی فراگیر ملی مشاهده نمی‌شود. منابع مالی مورد نیاز برنامه‌های بیمه‌های اجتماعی در این کشورها نیز غالباً از سوی کارفرمایان و بیمه‌شدگان و سود حاصل از ذخیره‌سازی سازمانهای بیمه‌های اجتماعی تأمین شده و دولتها نقش چندانی در این مهم ایفا نمی‌کنند.

در حال حاضر تأمین مالی برنامه‌های تأمین اجتماعی در کشورهای مختلف به شیوه‌های بسیار متفاوتی انجام می‌پذیرد. در پاره‌ای از کشورها این سهم صرفاً از طریق وصل مالیات‌ها محقق می‌شود، در حالی‌که در کشورهای دیگر منابع مالی تأمین اجتماعی از حق بیمه‌هایی که از کارفرمایان، کارگران و خویش فرمایان وصول می‌شود تأمین می‌شوند. در الگوهای تأمین مالی حق بیمه‌ای بیشترین بار مالی متوجه کارفرمایان بوده و بدین لحاظ است که آنها مدعی‌اند که پرداخت حق بیمه‌ها از سوی آنها سبب شده که تولیدات آنها در بازار جهانی قابلیت رقابت را نداشته باشد و در نتیجه رکود و بیکاری را در پی خواهد داشت. همچنین نظام تأمین مالی حق بیمه‌ای به جهت آنکه تحمیلی ناعادلانه به گروه‌های کم درآمد بوده و موجب ایجاد فقر و یا

وخیم‌تر شدن آن در میان آنها می‌شود، مورد انتقاد است. در مقابل منتقدین تأمین مالی از محل مالیات‌ها نیز سطوح غیرقابل تحمل مالیات‌ها و آثار منفی اقتصادی و اجتماعی که در پی دارد، را مطرح می‌کنند. بی‌تردید ملاحظات اقتصادی و اجتماعی در انتخاب هر یک از این روش‌ها مؤثر هستند.

به هر حال از بحث دربارهٔ متغیرهای اجتماعی و اقتصادی اثرگذار در انتخاب شیوه‌های مختلف تأمین مالی برنامه‌های تأمین اجتماعی و معایب و مزایای هر یک و نیز مکانیزم‌های مختلف تأمین مالی از نظام مالیاتی را به سبب آنکه در کشورمان و حتی سایر کشورهای در حال توسعه موضوعیت نیافته، صرف‌نظر کرده و نظامها و ابعاد مختلف تأمین مالی حق بیمه‌ای را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### نظامهای تأمین مالی<sup>۱</sup>

نظامهای تأمین مالی در مؤسسات و سازمانهای بیمه‌های اجتماعی و تأمین اجتماعی مبتنی بر روشهای تخصیص منابع برای تأمین مزایای تعهد شده و مورد انتظار بیمه‌شدگان آنها است. حجم منابع از پیش ذخیره‌شده برحسب روشهایی که اتخاذ می‌شوند، متفاوت هستند و حتی در مواردی هیچ‌گونه ذخیره‌سازی منابع انجام نمی‌گیرد، که در این قبیل موارد هزینه‌ها صرفاً از محل درآمدهای جاری تأمین و پرداخت می‌شوند. ماهیت و کیفیت مزایایی که از سوی نهادهای بیمه‌های اجتماعی و یا تأمین اجتماعی تعهد می‌شوند، نقش بنیادی در انتخاب مناسب‌ترین نظام تأمین مالی دارند. البته تعداد افراد تحت پوشش، ضرورت ذخیره‌سازی منابع، فرصتهای سرمایه‌گذاری از محل ذخایر، نیاز به حفظ ثبات نسبی نرخ حق بیمه برای اجتناب از تحمیل مالی بیشتر به بیمه‌شدگان و کارفرمایان و بلوغ نظام<sup>۲</sup> از دیگر ملاحظات تأثیرگذار در این انتخاب هستند.

در تحلیل نظامهای تأمین مالی مزایای تأمین اجتماعی مزایای کوتاه مدت<sup>۳</sup> و بلندمدت<sup>۴</sup> به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرند، که البته این نوع تحلیل منحصر به طرحهای بیمه‌های اجتماعی اجباری<sup>۵</sup> است. در مورد صندوقهای احتیاط<sup>۶</sup> که طرحهای پس‌انداز اجباری<sup>۷</sup> را اجرا می‌کنند و در واقع با تجمع ریسکها<sup>۸</sup> مواجه نیستند نظام تأمین مالی آنها مبتنی بر ذخیره‌سازی فردی است.

همان‌طور که اشاره شد نظامهای تأمین مالی بسیاری وجود دارند که برای تأمین منابع مورد نیاز مزایای تعهدشده تأمین اجتماعی به کار گرفته می‌شوند. در مواردی نیز برحسب ویژگی مزایای تعهدشده ترکیبی از

1. financing systems

2. maturity of the system

3. short - term benefits

4. long-term benefits

5. compulsory social insurance schemes

6. provident funds

7. compulsory saving schemes

8. pooling of risks

چند نظام مالی به کار گرفته می‌شود. نظام یا نظامهای تأمین مالی در مورد هر یک از پوششهای تأمین اجتماعی از طریق قانون مربوطه تعیین می‌شود. البته در مواردی نیز برای ایجاد انعطاف‌پذیری کافی صلاحیت تشخیص این موضوع به عهده هیئت مدیره آنها گذارده می‌شود.

### ذخایر<sup>۱</sup> تأمین اجتماعی

در طرحهای مستمری<sup>۲</sup> روند رو به افزایش هزینه‌ها در بلندمدت و نیز رعایت اصل مسئولیت مشترک بین نسلی بیمه‌شدگان، بکارگیری روشهای مختلف تأمین مالی را میسر ساخته است. نظامهای تأمین مالی مختلف، موجب به کارگیری الگوهای مختلف ذخیره‌سازی منابع شده‌اند. در مورد یک صندوق احتیاط خاص که مستقل از هر نظام بیمه اجتماعی است، میزان ذخیره‌سازی منابع بر اساس نرخ حق بیمه‌ای که برای تأمین درآمدهای مورد انتظار است، تعیین می‌شود. در یک چنین صندوقی پس از تعیین نرخ حق بیمه، سطح و میزان ذخایر مورد نیاز با لحاظ کردن مفروضاتی چون تغییرات جمعیت تحت پوشش، متوسط درآمد افراد، نرخ بهره، مشخص می‌شود.

ذخایری که در صندوقهای احتیاط و طرحهای مستمری برای ایجاد تعادل در بلندمدت نگهداری می‌شوند، ذخایر فنی یا آکچوری<sup>۳</sup> نامیده می‌شوند. درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری این ذخایر نقش با اهمیتی را در تأمین مالی پوششهای بازنشستگی ایفا می‌کنند. منابعی که از طریق سیستم تأمین مالی مبتنی بر ارزیابی سرمایه‌های ترکیبی<sup>۴</sup> برای تأمین مالی مستمریهای از کارافتادگی دائم و بازماندگان در پوششهای حوادث ناشی از کار، ذخیره می‌شوند، نیز ذخایر فنی هستند. در مورد مزایای کوتاه مدت مانند غرامت دستمزد، بارداری، درمان و از کارافتادگی موقت که به طور معمول بر مبنای نظام تأمین مالی ارزیابی سالیانه<sup>۵</sup> تأمین منابع می‌شوند، صرفاً ذخیره‌های احتیاطی<sup>۶</sup>، برای هزینه‌های پیش‌بینی نشده ناشی از رخدادهایی چون بروز بیماریهای واگیر، حوادث طبیعی و احتمالات غیرعادی که تعادل مورد انتظار بین درآمد حاصل از حق بیمه‌ها و هزینه‌های مزایا را دگرگون می‌کند، نگهداری می‌شوند. ذخیره احتیاطی برای مزایای خاص بستگی به انتظار تغییر در مفروضات دارد. ارزیابی و تعیین میزان ذخیره احتیاطی به ویژه در مورد پوششهای جدید و اختیاری بسیار مشکل است. به هر حال اصل بنیادی در سرمایه‌گذاری ذخایر احتیاطی، قابلیت نقدینگی آن است.

1. reserves

2. pension benefits

3. technical (actuarial) reserves

4. assessment of constituent capitals

5. annual assessment (pay-as-you-go)

6. contingency reserves

عمده عوامل اثرگذار در تعیین میزان انباشت و تکامل ذخایر طرح‌های مستمریها عبارتند از:

- الف. نرخ حق بیمه
  - ب. بلوغ طرح
  - پ. سن بازنشستگی
  - ت. ترکیب سنی جمعیت تحت پوشش، بدین ترتیب که میزان ذخایر در مواردی که متوسط سن افراد تحت پوشش پایین و یا بالا باشد کاملاً متفاوت است و در عین حال افزایش امید به زندگی نیز به نوبه خود بر عملکرد صندوق بازنشستگی تأثیر مستقیم دارد؛
  - ث. افزایش دستمزدها، به ویژه هرگاه دستمزدها مبنای محاسبه برای تعیین میزان مستمری قرار گیرند؛
  - ج. تعدیل مستمریهای بازنشستگی که برای لحاظ کردن تغییرات دستمزدی و سطوح معیشتی انجام می‌شوند؛
  - چ. مقررات و اصلاحات قانونی که پرداخت مزایا را پیش از موعد قانونی مقرر میسر می‌سازد؛
  - ح. مستثنی کردن معلولین و سالمندان از شرایط احراز مربوط به پرداخت حق بیمه برای دریافت مزایا.
- دو نوع ذخیره‌سازی منابع در بیمه‌های بازرگانی انجام می‌گیرد که در بیمه‌های اجتماعی و صندوقهای احتیاط عمل نمی‌شود. این ذخایر عبارت از ذخیره سرمایه‌گذاری<sup>۱</sup> و دیگری ذخیره درآمد سرمایه‌گذاری<sup>۲</sup> هستند. منظور از ذخیره سرمایه‌گذاری آن است که هرگاه تأمین اجتماعی تمایل داشته باشد و یا موظف شود که ذخایر فنی خود را در یک چنان طرحهای اقتصادی که امنیت و سودآوری آنها نامشخص است سرمایه‌گذاری کند، می‌بایست ذخیره‌ای را نیز برای مقابله با احتمال کاهش ارزش دارایی و یا نامتناسب بودن درآمد مورد انتظار در نظر بگیرد. نوع دیگر ذخیره درآمد سرمایه‌گذاری است. این ذخیره‌سازی برای ترمیم درآمد سرمایه‌گذاری طرحهای بازنشستگی که نرخ بازدهی آنها کمتر از نرخ مفروض در ارزیابی اکتواری است، به کار گرفته می‌شود و یا هرگاه نرخ بازدهی خالص سرمایه‌گذاری صندوق احتیاط کمتر از نرخ بهره است برای ایجاد موازنه در حساب اعضا مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- این نوع ذخیره‌سازیها صرفاً در مؤسساتی انجام می‌پذیرد که منابع سرمایه‌ای آنها به طور قابل ملاحظه‌ای بیش از میزان تعهدات آنها است و دارای منابع مازاد هستند. که در این صورت بخشی از این مازاد آزاد برای ذخیره سرمایه‌گذاری یا ذخیره درآمد سرمایه‌گذاری اختصاص می‌یابد. هرگاه این نوع ذخیره‌سازی‌ها به طور عقلایی انجام شود، می‌تواند سبب تضمین و انعطاف‌پذیری برای سرمایه‌گذاری در ذخیره‌سازی نوع اول و

1. investment reserves

2. investment income reserves

ثبات بیشتر در بازده سرمایه‌گذاری در ذخیره‌سازی نوع دوم شود. در یک صندوق احتیاط که سودی بر اساس نرخ بهره را به حساب بستانکاری اعضا منظور می‌کند، هرگاه نرخ بازدهی سرمایه‌گذارهای آن کمتر از نرخ بهره باشد، ناگزیر از ذخیره‌سازی درآمد سرمایه‌گذاری است.

### سرمایه‌گذاری اندوخته‌های (ذخایر) تأمین اجتماعی

هر چند که می‌بایست حق بیمه‌ها، درآمد سرمایه‌گذاری‌ها و هزینه‌های هر یک از طرحهای تأمین اجتماعی به طور جداگانه نگهداری شوند، اما این بدان معنی نیست که سرمایه‌گذاری از محل منابع مازاد بر هزینه‌های آتی و جاری امری مستقل است. سرمایه‌گذاری منابع تأمین اجتماعی می‌بایست با توجه به نقدینگی و ذخایر مورد نیاز تمامی طرحها و نیز درآمد خالص سرمایه‌گذاری در نظر گرفته‌شده برای هر یک از طرحها انجام شود.

اصول حاکم بر سرمایه‌گذاری ذخایر تأمین اجتماعی عبارت است از امنیت، سودآوری، نقدینگی و مطلوبیت اجتماعی و اقتصادی امنیت سرمایه‌گذاری به مفهوم صیانت از اصل منابع سرمایه‌گذاری‌شده و نیز حفظ ارزش واقعی (قدرت خرید) آن است. سودآوری سرمایه‌گذارها در مورد سرمایه‌گذارهای از محل ذخایر ایجاد شده، طرحهای بلندمدت (مستمرها) و صندوقهای احتیاط از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در طرحهای مستمری نرخ بازدهی خالص سرمایه‌گذارها که از عوامل اصلی در محاسبات آکچوری برای محاسبه نرخهای حق بیمه است، حداقل برابر با نرخ بهره در نظر گرفته می‌شود. اصل نقدینگی دقیقاً به آینده‌نگری در مورد نیاز به نقدینگی برای هزینه‌های جاری تأمین اجتماعی پاسخگو است. سرمایه‌گذارهای از محل حق بیمه‌های طرحهایی که تحت نظام ارزیابی سالیانه تأمین مالی می‌شوند و نیز سرمایه‌گذارهای ذخایر احتیاطی می‌بایست به سهولت و سرعت تبدیل به نقدینگی شوند. اما قابلیت نقدینگی سریع در مورد سرمایه‌گذارهای از محل ذخایر طرحهای بیمه‌های اجتماعی که تأمین مالی آنها مبتنی بر نظام حق بیمه دوره‌ای یا متغیر<sup>۱</sup>، متوسط حق بیمه یا حق بیمه ثابت<sup>۲</sup> و یا سرمایه‌های ترکیبی است و همچنین ذخایر صندوقهای احتیاط، ضرورتی ندارد و می‌توان این ذخایر را برای سرمایه‌گذارهای بلندمدت به کار گرفت. با رعایت اصول یادشده، تا حد امکان می‌بایست ذخایر تأمین اجتماعی در جهت ارتقاء کیفیت زندگی مردم سرمایه‌گذاری شود و سرمایه‌گذاری غیرمستقیم در زیرساختهای آموزشی و بهداشتی از طریق وامهایی که سود واصل آنها از سوی دولت تضمین شود و نیز سرمایه‌گذاری در بانکهای توسعه که دست‌اندرکار

1. scaled premium system

2. general average premium system

سرمایه‌گذاری در طرح‌های اشتغال‌زا و توسعه مسکن هستند در زمره این سرمایه‌گذاری‌ها هستند. ۱- سل مطلوبیت اقتصادی و اجتماعی از طریق این قبیل سرمایه‌گذاری‌ها به طور غیرمستقیم محقق می‌شود. نکته حائز اهمیت اینکه تفاوت‌های با اهمیتی در سیاست‌ها و عملکردهای سرمایه‌گذاری‌های صندوق‌های احتیاط ملی و طرح‌های مستمری بیمه‌های اجتماعی وجود ندارد. زیرا طرح‌های مستمری بیمه‌های اجتماعی و صندوق‌های احتیاط دارای اهداف سرمایه‌گذاری مشابهی هستند و به موازات آن که صندوق‌های احتیاط عهده‌دار اجرای طرح‌های تأمین اجتماعی فراگیر می‌شوند، نیازها و ضرورت‌های سرمایه‌گذاری آنها با بیمه‌های اجتماعی نزدیک و یکسان می‌شوند. شرایط و ویژگی‌های ملی باعث محدودیت‌های قانونی و سیاست‌گذاری و امکان دستیابی به بازدهی مطلوب از جمله تنگناهای مطرح در سرمایه‌گذاری‌های بیمه‌های اجتماعی و صندوق‌های احتیاط است. محدودیت فرصت‌های سرمایه‌گذاری از جمله موانع فرا راه سرمایه‌گذاری‌های بیمه‌های اجتماعی و صندوق‌های احتیاط است که در بلندمدت با حجم قابل ملاحظه‌ای از ذخایر مواجه هستند.

صرف‌نظر از اصول و شرایط کلی حاکم بر سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی، تأمین اجتماعی هر کشور برای سرمایه‌گذاری ذخایر خود و به منظور دستیابی به پرتفوی<sup>۱</sup> مطلوب و بهینه سرمایه‌گذاری ناگزیر است ضمن لحاظ کردن اصول و شرایط مزبور، عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگ ملی را نیز مدنظر قرار دهند و بدین لحاظ است که پرتفوی سرمایه‌گذاری‌های تأمین اجتماعی در کشورهای مختلف مشابهت چندانی ندارند.

در کشورهای توسعه یافته، اینک به جای سرمایه‌داران سنتی، صندوق‌های بازنشستگی به گونه‌ای فزاینده، کنترل عرضه و تخصیص منابع پولی را قبضه کرده‌اند. این صندوق‌ها تنها در ایالات متحده در سال ۱۹۹۲، نیمی از سرمایه شرکت‌های بزرگ را در اختیار داشتند و تقریباً نیمی از بدهی ثابت این شرکت‌ها را به عهده گرفته بودند. شک نیست که مالکین واقعی و ذی‌نفع این صندوق‌ها را کارمندان و کارگران (بیمه‌شدگان) تشکیل می‌دهند. بدین‌سان صندوق‌های بازنشستگی در این جوامع توسط نسل جدیدی از سرمایه‌داران اداره می‌شود. مدیران بدون اسم و رسم، کارشناسان و تحلیل‌گران سرمایه‌گذاری و مدیران مالی حقوق‌بگیر آنان، که به‌سان کارمندان حقوق دریافت می‌کنند، همانند کارمندان فکر می‌کنند و خود را هم‌چون کارمندان به حساب می‌آورند، لیکن همانند سرمایه‌داران عمل می‌کنند.

دنیا هیچ‌گاه چنین مراکز پولی را، آن‌گونه و در آن تعداد که هم‌اکنون در کشورهای توسعه یافته رایج شده

و به وسیله صندوقهای بازنشستگی اداره می‌شوند به خود ندیده است. در ایالات متحده، بزرگ‌ترین صندوق بازنشستگی در حدود هشتاد میلیارد دلار دارایی در اختیار دارد. در این کشور حتی یک صندوق بازنشستگی کوچک می‌تواند در حدود یک میلیارد دلار در اقتصاد کشور سرمایه‌گذاری کند. صندوقهای بازنشستگی، به سرعت به منبع اصلی و عمده سرمایه در کشورهای توسعه یافته بدل می‌شوند.

در حال حاضر که بازار سرمایه در کشور با موانع و محدودیتهایی مواجه است، هرگاه بستری مناسب از سوی دولت از طریق تضمین بازگشت اصل و سود سرمایه‌گذاری ذخایر سازمان تأمین اجتماعی و سایر صندوقهای بازنشستگی فراهم شود، این صندوقها خواهند توانست با عملکردی مبتنی بر اصول علمی و فنی بیمه‌ای منافع قانونی افراد تحت پوشش را تأمین و در عین حال نقشی بنیادی در ترکیب سرمایه‌های ملی و به ویژه در سرمایه‌گذاریهای زیر ساختی و توسعه ایفا کنند.

## تأمین مالی و سرمایه‌گذاریهای سازمان تأمین اجتماعی

### تأمین مالی

بررسی تاریخی قوانین و مقررات مالی سازمان تأمین اجتماعی نشان‌گر آن است که از همان اوان شروع کار سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران در اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۲، حساسیت و توجه لازم در مورد چگونگی تأمین مالی و انجام تعهدات بلندمدت و به ویژه انواع مستمریها وجود داشته است.

لایحه‌های قانونی بیمه‌های اجتماعی کارگران که در سالهای ۱۳۳۱ و ۱۳۳۴ به تصویب رسیدند ضرورت نگهداری بخشی از مازاد درآمدهای سازمان تحت عنوانهای ذخیره فنی و ذخیره احتیاط برای پرداخت مستمریهای قانونی و هزینه‌های ناشی از حوادث غیرمترقبه را در نظام مالی سازمان مورد تأکید قرار داده‌اند. قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران مصوب سال ۱۳۳۹، مدیر عامل سازمان را موظف کرده که حق بیمه‌های مربوط به هر یک از پوششهای بیمه‌ای را به طور جداگانه تقسیم‌بندی و در بودجه فنی منظور کند. به نحوی که هزینه‌ها و پرداختهای مربوط به هر یک از پوششهای مزبور در هر سال از محل بودجه مخصوص همان قسمت انجام شود. همچنین می‌بایست دو نوع ذخیره احتیاط و فنی در نظر گرفته شود که ذخیره احتیاط برای جبران هزینه‌های غیرمنتظره پوششهای بیمه‌ای (مزایا) کوتاه مدت به کار گرفته شده و از محل ذخیره فنی پرداخت مستمریها و مقرریهای بازنشستگی تأمین شود. از آنجا که درآمد حاصل از وجوه و اموال متعلق به سازمان به عنوان اجزاء منابع درآمدی سازمان در نظر گرفته شده بود، سازمان موظف شد که ذخایر خود را به وسیله بانک رفاه کارگران به کار اندازد و هر سه سال یک بار و یا هر زمان که شورای

عالی صلاح بداند امور مالی خود را با اصول محاسبات فنی بیمه اجتماعی تطبیق دهد. در این راستا نیز بانک رفاه کارگران با سرمایه یک میلیارد ریال متعلق به سازمان به سال ۱۳۳۹ با اهداف نگهداری و به کار انداختن ذخایر سازمان، اعطای وام‌های رفاهی و مسکن و ارائه سایر خدمات بانکی به بیمه‌شدگان، سازمان و سایر افراد تأسیس شد. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که در بیمه‌های اجتماعی کارگران نظام مالی حق بیمه دوره‌ای یا متغییر برای مزایای بلندمدت چون مستمریها و مقرریهای بازنشستگی ملاک عمل بوده و بانک رفاه کارگران وظیفه سرمایه‌گذاری ذخایر فنی این بخش را عهده‌دار بوده است. در بخش مزایای کوتاه مدت نیز نظام مالی ارزیابی سالیانه در نظر گرفته شده است. همچنین سازمان موظف به نگهداری حساب درآمد و هزینه هر یک از طرحهای بیمه‌ای (مزایا) به طور جداگانه و مستقل از یکدیگر بوده است.

هر چند قانون بیمه‌های اجتماعی که به سال ۱۳۴۹ به تصویب رسید مبانی مذکور را مورد تأیید و تأکید قرار داد، اما قانون تأمین اجتماعی مصوب سال ۱۳۵۴ و قانون تشکیل وزارت بهزیستی مصوب سال ۱۳۵۵ و بالاخره لایحه قانونی اصلاح قانون تشکیل سازمان تأمین اجتماعی مصوب سال ۱۳۵۸، بحث چگونگی نگهداری حسابهای جداگانه برای پوششهای مختلف بیمه‌ای و نیز چگونگی تفکیک ذخایر را مسکوت گذاردند و از آن زمان تاکنون "مانده درآمد پس از وضع مخارج" بعنوان تعریف عملیاتی نگهداری ذخایر، ملاک عمل سازمان تأمین اجتماعی قرار دارد.

نرخهای حق بیمه از ابتدا و تا سال ۱۳۵۴ به دفعات تغییر و افزایش یافتند، از سال ۱۳۵۴ تاکنون ثابت مانده و حتی در مورد گروهی از بیمه‌شدگان با توجه به نوع فعالیت محل کار آنها نرخ حق بیمه بیش از سی درصد کاهش یافته است و این در شرایطی است که در نظام مالی حق بیمه دوره‌ای فرض بر افزایش حق بیمه‌ها در دوره‌های زمانی مشخص است و اساساً کاهش نرخ حق بیمه قابل تصور نیست.

### سرمایه‌گذاریها

سرمایه‌گذاریهای ذخایر سازمان تا قبل از سال ۱۳۵۴ منحصر به سپرده‌گذاری و خرید اوراق قرضه دولتی بود. بر اساس ترازنامه سال ۱۳۵۳ سازمان، سپرده‌های ثابت نزد بانکها ۱۵/۵ میلیارد ریال، اسناد اوراق بهادار ۵/۳ میلیارد ریال و سرمایه‌گذاری در مؤسسات وابسته ۵/۵ میلیارد (شامل ۵ میلیارد ریال سرمایه بانک رفاه کارگران و ۴۴۰ میلیون ریال سرمایه شرکت خانه‌سازی ایران و بقیه مربوط به سایر سرمایه‌گذاریها) و موجودی حسابهای بانکی و وجوه در راه جمعاً بالغ بر دو میلیارد ریال بوده است.

با آغاز به کار صندوق تأمین اجتماعی در سال ۱۳۵۵ و افزایش قابل توجه درآمد حاصل از وصول حق بیمه و خسارات و جراثم و بهره، ذخایر سازمان از فزونی و تراکم چشمگیری برخوردار شد، به نحوی که در

ابتدای سال ۱۳۵۸ علاوه بر موجودی نقدی در حساب ذخایر، سرمایه‌گذاریهای سازمان در اوراق قرضه، سپرده بانکی، اوراق گسترش، وجوه اداره شده، سهام شرکتها، سهام بانکها و سایر موارد، بالغ بر ۱۵۵ میلیارد ریال بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تغییر در قوانین و مقررات بانکی موجب آسیبهای جدی بر سرمایه‌گذاریهای سازمان شد.

طی سالهای اولیه پس از انقلاب اسلامی به لحاظ نبود خط‌مشی و سیاستهای مشخص سرمایه‌گذاری و مشکلات ناشی از تغییرات پی در پی مقررات و سایر محدودیتهای، سرمایه‌گذاریها از محل وجوه ذخیره شده سازمان منحصر به سپرده‌گذاری نزد بانکها، خرید اوراق قرضه، چند مورد سرمایه‌گذاری متفرقه و تعداد معدودی از طرحهای در دست اجرای باقیمانده از قبل توسط شرکت خانه‌سازی ایران بود. در ادامه و به منظور اجتناب از کاهش ارزش ذخایر سازمان و کسب بازدهی و سودی که پاسخگوی تورم باشد، شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی با سرمایه بیست میلیارد ریال در سال ۱۳۶۵ تشکیل شد و با افزایش ۲۴۷ میلیارد ریال تا سال ۱۳۷۲ و هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۷۷ فعالیت خود را در سرمایه‌گذاریهای مستقیم یا از طریق مشارکت در صنایع، بخشهای دارویی، دامداری، کشاورزی، صنعتی، بازرگانی، خدماتی، مسکن و همچنین ورود در بازار بورس بسط و توسعه داد.

به موازات تشکیل شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی و فعالیت آن در زمینه‌های یاد شده، سازمان تأمین اجتماعی نیز به لحاظ محدودیتهای ایجاد شده در زمینه جذب منابع خود در بانکها و توقف طولانی در انتشار و فروش اوراق قرضه، خود رأساً به اعطا و تسهیلات مالی به بخشهای صنعت، معدن و بازرگانی، احداث و خرید ساختمان پرداخت. این فعالیت از سال ۱۳۷۰ از رشد بیشتری برخوردار شد، به نحوی که سرمایه‌گذاری مستقیم سازمان تأمین اجتماعی در سال ۱۳۷۲ در سرمایه‌های شرکتها مالیه ۲۶،۲۴۰ میلیون ریال، خرید سهام شرکتها تولیدی ۳۵،۵۷۵ میلیون ریال، خرید سهام از طریق بورس ۱،۰۷۸ میلیون ریال، انبوه‌سازی مسکن ۲۳ میلیارد ریال و اعطای تسهیلات مالی به بخشهای صنعت، معدن، بازرگانی، مسکن و ساختمان و... ۲۴۴،۸۷۶/۶ میلیون ریال و جمعاً بالغ بر ۳۳۰ میلیارد ریال شد.

در بررسیهایی که از سوی گروه پژوهشی بررسیهای اقتصادی مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی از وضعیت سرمایه‌گذاری سازمان تأمین اجتماعی طی سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ به عمل آمد یافته‌های زیر حاصل شد:

الف. پرتفوی سرمایه‌گذاری نامعین و بی‌ضابطه است و نیاز به بازنگری و اصلاح ساختاری روشها دارد.

ب. داراییهای ثابت دارای قابلیت نقدشوندگی کافی نیستند.

پ. وضعیت سرمایه‌گذاریها در بازار بورس نارسا و ناروشن است. گرچه در سال ۱۳۷۳ نتایج مفیدی را به دست داده ولی چه بسا در سالهای آتی چنین نباشد.

- ت . سیاست‌های اعتباری گرچه شاید از جهت رفاهی آثاری داشته (آن هم نه چندان قوی) ولی سودآور نبوده‌اند، به هر حال تأثیرات رفاهی باید در الگویی جداگانه بررسی و ارزیابی شوند.
- ث . مشارکت در رشته فعالیت‌های تولیدی و مشارکتی مؤثر خارج از بورس سازمان و شرکت سرمایه‌گذاری را در موارد نسبتاً زیادی با مشکلات مدیریتی روبه‌رو کرده است. حضور به مثابه سهامدار و تأمین‌کننده مالی باید بتواند آنها را به سمت تعیین مدیریت قوی در واحدها هدایت کند و نه اینکه درگیر یافتن و به کارگیری مدیران فنی و تخصصی و وارد شدن به رده‌های حرفه‌ای (غیرمالی)، سازد.
- ج . فشار تورم ناشی از سیاست‌های تعدیل و ناشی از نارسایی‌ها در آینده زیان‌رسان خواهند بود.
- بر اساس یافته‌های یادشده و برای سامان‌دهی سرمایه‌گذاری‌های سازمان گروه پژوهشی مزبور توصیه‌هایی را نیز ارائه دادند:
- الف . محدود کردن میزان مشارکت در بورس و به هر حال یک کاسه کردن همه فعالیت‌های مربوط به سازمان و شرکت سرمایه‌گذاری؛
- ب . ایجاد ضابطه‌های مناسب برای فعالیت بورس شامل امکان فروش و نظام قیمت‌گذاری، محاسبه، شاخص‌گیری و ایجاد واحدهای مشورتی و تخصصی اقتصادی و کارگزاری ویژه و هماهنگ با کارگزاران بیرونی و توسعه نظام اطلاعاتی؛
- پ . محدود کردن جدی وام و اعتبارات مگر از طریق سیستم بانکی (بانک رفاه) که در آن صورت بانک رفاه هم به بخش سرمایه‌گذاری وام می‌دهد و هم به متقاضیان عادی تحت پوشش سازمان (بیمه‌شدگان)، برحسب سیاست‌های رفاهی؛
- ت . سازماندهی اساسی برای تصمیم‌گیری و نظارت سرمایه‌گذاریها و نیز کاربردی فعالیت بانک و جدا کردن فعالیت‌های توسعه؛
- ث . فعالیت‌های ارزی می‌تواند با ایجاد واحدها و مشارکتها در مناطق آزاد صورت بگیرد، نه اینکه از الگوی کویت یعنی اختصاص منابع به فعالیت‌های ارزی خارج از سیستم تبعیت کند؛
- ج . حفظ ماهیت مالی - تولیدی، به معنای استفاده از منابع در جهت مشارکت‌های مالی به شرط انتخاب زمینه‌های تولیدی مناسب و زمینه‌های صرفاً مالی مبتنی بر ضابطه‌ها و قواعد تخصصی
- چ . به حداقل رساندن نگهداری وجه نقد توسط سازمان، از طریق بانک رفاه و تبدیل حداکثر ممکن وجوه به وجوه بهره‌ده و امکان دریافت وام و فروش اوراق بدهی سازمان به بانک در موارد نیاز به وجوه نقد، با توجه به اصل کمترین هزینه نگهداری پول نقد؛

ح. برآورد گسترده ارزش سرمایه سازمان زیر نظر هیئت اقتصادی و ارزیابی و قرارداد آن در اختیار شورای نظارت سیاست‌گذاری برای تشکیل پرتفوی جدید بر اساس نهرهای سرمایه‌گذاری:  
 خرید سهام ۲۰ تا ۳۰ درصد، مشارکت در بانک رفاه ۱۰ تا ۱۵ درصد، سپرده‌های بلندمدت بانکی ۱۰ درصد، مشارکت در فعالیتهای تولیدی ۱۲/۵ درصد، مشارکت در فعالیتهای خدماتی ۷ درصد  
 سرمایه‌گذاری در فعالیتهای خانه‌سازی ۱۰ درصد و اعطای تسهیلات به واحدهای خودی و مشارکت در طرحهای بانک رفاه ۲۰ تا ۲۵ درصد.

اینکه به چه میزان یافته‌ها و توصیه‌های گروه پژوهشی مورد توجه مسئولان و دست‌اندرکاران سازمان و شرکت سرمایه‌گذاری قرار گرفته و نتایج حاصله طی پنج سال اخیر چه بوده است نیازمند کار پژوهشی دیگری است. بی‌تردید چنین پژوهشی ضمن آنکه ارزیابی روشنی از توجه و پای‌بندی مسئولان به کارهای پژوهشی را به دست می‌دهد، امکان دستیابی به راهبردها و راه‌کارهای دقیق‌تر و کاربردی‌تر را فراهم می‌سازد.

### نتیجه‌گیری

صرف‌نظر از موانع و نارساییهایی که فرا راه نظام درآمدهای بیمه‌ای (وصول حق بیمه و جراثم) و درآمدهای سرمایه‌ای (سود سرمایه‌گذاری‌ها) وجود داشته و دارد و در بخش قبلی این نوشتار نیز به آنها اشاره شد، مهم‌ترین و بنیادی‌ترین کاستی در نظام تأمین مالی سازمان تأمین اجتماعی نبود کاربری محاسبات بیمه‌ای اجتماعی (آکچوری) است:

۱. مزایای بیمه‌ای فاقد نرخ مشخص حق بیمه بوده و به همین لحاظ حسابهای درآمدی و هزینه‌ای جداگانه برای هر یک از مزایا در نظر گرفته نشده، بر همین اساس نظامهای تأمین مالی کوتاه مدت و بلندمدت نامشخص بوده و در نتیجه نبود مبانی لازم جهت تعیین و نگهداری ذخایر فنی و احتیاطی، ذخایر سازمان تفکیک نشده‌اند؛

۲. بخش عظیمی از ذخایر سازمان طی سالهای متمادی از طریق شرکت خانه‌سازی ایران متعلق به سازمان صرف ساخت و سازهای اداری و درمانی شده است بدون آنکه هزینه فرصتهای از دست‌رفته این ذخایر به عنوان سود بالقوه ذخایر در هزینه‌های اداری و درمانی سازمان منعکس شود؛

۳. هیچ‌گونه تعریف مشخص علمی از جایگاه سرمایه‌گذارها در نظام تأمین مالی سازمان وجود نداشته و رابطه تعاملی تعیین نرخ حق، سود سرمایه‌گذارها مبهم و نامعلوم است. به این لحاظ است که عملکرد نهادهای سرمایه‌گذاری سازمان به عنوان زیر بخش نظام تأمین مالی سازمان مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار نگرفته‌اند و عمدتاً به شکل بنگاههای اقتصادی و مالی مستقل دیده شده‌اند؛

به‌رغم کاستی‌های عنوان شده و بار عظیم مالی ناشی از شرایط سیاسی و اجتماعی و از جمله آسیب‌های وارده به ذخایر سازمان در نتیجه ملی شدن بانکها، سود نازل سپرده‌های سازمان در بانکها، تأخیر طولانی در بازپرداخت مطالبات سازمان از سوی دولت، کاهش نرخ حق بیمه صنوف، اعمال بازنشستگی‌های پیش از موعد،...، تعادل مالی سازمان حفظ شده است. در بررسی‌های به عمل آمده مشخص شده قبل از آنکه این تعادل ناشی از کارآمدی نظام تأمین منابع مالی سازمان باشد، متأثر از عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زیر است:

۱. فقدان آگاهی در نزد بیمه‌شدگان سازمان سبب شد بسیاری از افرادی که از بابت آنها حق بیمه پرداخت شده بود هیچ‌گاه از مزایای بیمه‌ای سازمان بهره‌مند نشوند. بدین ترتیب به کارگیری روش‌هایی چون اعمال ضرایب در تعیین حق بیمه پروژه‌ها که عمدتاً نیز صورت اسامی بیمه‌شدگان آنها ارائه نمی‌شد، منابع قابل ملاحظه‌ای به ارمغان می‌آوردند که هیچ‌گونه هزینه‌ای را برای سازمان در پی نداشت.
  ۲. افزایش ناگهانی جمعیت کشور و به تبع آن بیمه‌شدگان سبب شد تا وصولی‌های حق بیمه روند شتابان فزاینده‌ای داشته باشد و در شرایطی این تازه‌واردهای نظام از مزایای بلند مدت استفاده نکرده و نمی‌کنند و ورود آنها موجب افزایش ناگهانی ذخایر سازمان شد.
  ۳. از جمله آثار تورم لجام گسیخته سالهای اخیر افزایش دستمزدها بوده است. هر چند که تورم آثار خود را در هزینه‌های مزایای کوتاه مدت همزمان با افزایش حق بیمه‌های وصولی نشان می‌دهد، اما آن بخش از حق بیمه‌ها مربوط به مزایای بلندمدت در شرایط تورمی موجب افزایش ذخایر فنی می‌شود.
  ۴. یافته کار پژوهشی "تجزیه و تحلیل اقتصادی صندوق بازنشستگی سازمان تأمین اجتماعی" که از سوی گروه پژوهشی مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی انجام گرفته حکایت از آن دارد که هزینه سرانه واقعی مستمری‌بگیران بازنشسته از سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۷۳ فقط ۱/۲۵ برابر افزایش داشته است. بنابراین ملاحظه می‌شود که مستمری پرداختی به هیچ وجه متناسب با نرخهای تورم دورقمی سالهای مزبور نبوده و حفظ تعادل مالی سازمان به ازای کاهش سطح قدرت خرید و معیشت مستمری‌بگیران بوده است.
- بدین ترتیب است که آثار تورمی سالهای اخیر سبب افزایش ذخایر سازمان شده است. هر چند که متغیرهای بیرونی در کوتاه مدت موجب شده‌اند که سازمان تعادل مالی خود را حفظ نماید اما در بلند مدت این عوامل به طور وارونه عمل خواهند نمود و موجب افزایش شدید هزینه‌های مزایای بلندمدت سازمان خواهند شد و حتی اعمال محدودیتهایی در احراز سوابق و شرایط برخوردارگی از مزایای درازمدت و به کارگیری سازوکارهای بازدارنده روند افزایش سرانه مستمریها نیز مانع از این مهم نخواهد

شد. بنابراین از هم اکنون می‌بایست زمینه‌سازی لازم جهت ارزشیابیهای اولیه<sup>۱</sup> و اصلاحی<sup>۲</sup> آکچوری فراهم شود تا سازمان بتواند برای رویارویی با موانع و مشکلاتی که متوجه نظام تأمین مالی آن خواهد بود مهیا شود. در این راستا موارد زیر توصیه می‌شود:

۱. تغییر در نظام حسابداری سازمان و نگهداری حساب درآمد و هزینه هر یک از مزایای کوتاه مدت و بلندمدت به طور جداگانه؛

۲. تعیین میزان ذخایر فنی و احتیاطی بر اساس تجارب گذشته از روند هزینه‌ها، سود سرمایه‌گذاری و سایر متغیرهای مورد عمل در محاسبات آکچوری؛

۳. تعریف دقیق و روشن از جایگاه سرمایه‌گذاری از محل ذخایر در نظام تأمین منابع مالی و به ویژه نقش آن در تأمین منابع مزایای بلند مدت؛

۴. اصلاح نظام آماری به منظور دستیابی سریع به اطلاعات دقیق مورد نیاز متغیرهای ارزیابیهای اولیه و اصلاحی آکچوری؛

حال که بحث نظام تأمین اجتماعی فراگیر در کشور مورد توجه و تأکید مسئولان است، قبل از هر اقدام لازم است مسائل و مشکلات صندوقهای بیمه‌های اجتماعی به ویژه در رابطه با اصلاح نظامهای تأمین مالی آنها و از همه مهم‌تر تناسب توسعه کمی و کیفی برنامه‌های بیمه‌ای و حمایتی در سطح نظامی فراگیر با ساختار اقتصادی کشور مورد مطالعه و بررسی و کار کارشناسی دقیق قرار گیرد. در این فرایند به کارگیری تجارب سازمان جهانی کار<sup>۳</sup> و اتحادیه جهانی تأمین اجتماعی<sup>۴</sup> در سایر کشورها بسیار مفید و مؤثر خواهد بود.

## منابع

- سازمان تأمین اجتماعی، دفتر امور حقوقی، مجموعه قوانین و مقررات: قوانین، اساسنامه‌ها، جلد اول، ۱۳۷۴.  
 مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، بررسی محدودیتها و تنگناهای سرمایه‌گذاریهای سازمان تأمین اجتماعی، کتاب اول: ساختار، کارکرد و سازوکارهای اساسی، ۱۳۷۳.  
 مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، بررسی محدودیتها و تنگناهای سرمایه‌گذاریهای سازمان تأمین اجتماعی، کتاب دوم: معیارها، یافته‌ها، پیش‌بینیها، مقایسه‌ها و مدل سرمایه‌گذاری، ۱۳۷۴.

1. actuarial valuation

2. actuarial assessment

3. international labour organization (ILO)

4. international social security association (ISSA)

مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، تجزیه و تحلیل اقتصادی صندوق بازنشستگی سازمان تأمین اجتماعی،  
۱۳۷۶.

I.L.O, *Financing of Social Security; The Options: An International Analysis*, Geneva, 1984.

I.L.O, *Into the Twenty-First Century: The Development of Social Security*, Geneva, 1986.

I.L.O, *Social Security Department, The Financing of Social Security and the investment of funds*, 1988.

Margaret S.Gorden, *Social Security Policies in Industrial Country*, Cambridge University Press, 1990.